

## چکیده

ساختار سیاسی و بافت اجتماعی رژیم صهیونیستی اسرائیل به وفور در قالب مقاله، گزارش و کتاب مورد بحث واقع شده است. یکی از مباحث مغفول در راستای اسرائیل‌شناسی، تحلیل امنیت و آینده آن از منظر جغرافیای سیاسی است. جغرافیای سیاسی اسرائیل، بسیاری از رفتارهای این رژیم را طی دهه‌های اخیر توضیح می‌دهد. مقاله حاضر به کاوش در این بحث می‌پردازد که آسیب‌پذیری‌ها و نیز امتیازات اسرائیل از منظر جغرافیای سیاسی کدامند. نویسنده با شرح دشواری‌های اسرائیل در زمینه کمیابی منابع و عمق راهبردی، به شرح سیاست‌های اسرائیل در چارچوب ضعف‌های ژئوپلیتیک آن پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که عمده سیاست‌های اسرائیل در داخل و خارج از سرزمین‌های اشغالی، پاسخی است به آسیب‌های راهبردی و ژئوپلیتیک این رژیم در حوزه جغرافیای سیاسی.

واژگان کلیدی: جغرافیای سیاسی، بلندی‌های جولان، بیت‌المقدس، شهرک‌سازی، ژئوپلیتیک آب، رود اردن، مرزهای ۱۹۶۷.

\* دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره چهارم و اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۴۲ - ۱۷.

نوشتن در خصوص جغرافیای سیاسی همواره با بحث، جدل و مناقشه همراه بوده است. ضعف نظری این شاخه از دانش، همواره آن را در کانون مباحثات قرار داده و روشن نبودن مفهوم و زیرشاخه‌های ژئوپلیتیک و نیز استفاده‌های جایگزین این واژه‌ها، هرچه بیشتر به این بحث‌ها دامن می‌زند. از سوی دیگر، نوشتن درباره جغرافیای سیاسی اسرائیل به‌رغم سادگی ظاهری، چندان آسان نبوده و پیچیدگی‌های ویژه خود را دارد. جغرافیای تاریخی فلسطین آکنده از ابهامات و اختلافات میان مدعیان دور و نزدیک است. از نام این سرزمین و شهرهای آن تا وسعت و مساحتی که تحت این نام شناخته می‌شود، همه محل اختلافند.<sup>۱</sup> اینها و بسیاری از مسایل دیگر، نوشتن در خصوص اسرائیل به‌طور اعم و جغرافیای سیاسی آن به‌صورت اخص را با پیچیدگی همراه می‌کند.

### ۱. چشم‌انداز عمومی جغرافیای فلسطین

شاید وجه مشخصه و تمییز سیمای جغرافیای فلسطین، تنوع چشمگیر محیط طبیعی و چشم‌اندازهای آن است. در محدوده سرزمینی به طول ۴۲۰ کیلومتر و پهنای بین ۴۰ تا ۱۲۰ کیلومتر (که در جنوب کشور به ۸ کیلومتر می‌رسد) دریاها، دریاچه‌ها، کوه‌ها، دره‌ها، زمین‌های پست و بیابان در کنار هم به چشم می‌خورند. انواع اقلیم‌ها از نیمه‌آلپی، معتدل مدیترانه‌ای و گرم تا انواع پوشش گیاهی مطابق با این آب و هواها و تنوع چشمگیر در چشم‌انداز محصولات کشت شده، قابل مشاهده است. آثار این اختلاف‌ها و تفاوت‌ها بر حوادث تاریخی روی داده در منطقه و همچنین چگونگی روایت آنها به منظور آموزش اخلاقی و ابلاغ وحی در انجیل قابل توجه است.<sup>۲</sup> فلسطین گرچه در زمره مطلوب‌ترین مناطق مسکونی روی زمین نیست، اما از مناظر و چشم‌اندازهای زیبای فراوان و نور و هوای کافی برخوردار است که تاثیر ژرف و پایداری بر ساکنان آن برجای می‌گذارد. با این حال، از نظر زیست‌محیطی بسیار شکننده و در صورت سهل‌انگاری یا اجرای شیوه‌های نادرست، به‌شدت تخریب‌پذیر است و از این بعد شباهت بسیاری به دیگر سرزمین‌های خاورمیانه دارد. جغرافیای فلسطین با وجود کوچکی سرزمین، شش ناحیه مختلف

جغرافیایی را شامل می‌شود که چشم‌اندازهای طبیعی، انسانی، تاریخی و فرهنگی متفاوتی را به‌نمایش می‌گذارند و امروزه نیز همین تفاوت‌ها و تضادها این سرزمین را مورد توجه پیروان ادیان بزرگ ابراهیمی و در کانون رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار داده است.

## ۲. چارچوب نظری - مفهومی بحث

تعاریف گوناگونی از جغرافیای سیاسی ارایه شده است. «چرایی و چگونگی تقسیم فضا و قدرت توسط انسان» را شاید بتوان بهترین تعریفی دانست که تا کنون در خصوص ژئوپلیتیک ارایه شده است. در این تعریف مفاهیمی چون فضا (زمین)، تقسیم (مرز) و قدرت در پیوندی دیالکتیکی در کنار هم قرار گرفته‌اند. از فضا این تعریف در خصوص جغرافیای سیاسی اسرائیل کاملاً گویاست. اختلاف میان اسرائیل، فلسطینی‌ها و همسایه‌های عرب در درجه نخست بر سر زمین و فضاست و پس از آن ابعاد نمادین، فرهنگی و ایدئولوژیک مساله خودنمایی می‌کنند. از میان مکتب‌های فکری جغرافیای سیاسی سنتی، مکتب رشدگرایی کشور راتزل (F. Ratzel) و کارکردگرایی حکومت هارتشورن (R. Hartshorn) بیشتر در خدمت توجیه تشکیل کشور اسرائیل و سیاست‌های توسعه‌طلبانه آن هستند. لذا با توجه به نگاه انتقادی نگارنده، این مکاتب کمکی به مقاله حاضر نکرده و در مقابل، مکتب انسان‌گرایانه سازگاری بیشتری با روح مقاله حاضر دارد. در خصوص ویژگی‌های مکتب انسان‌گرا در جغرافیای سیاسی ریچارد مویر (R. Muir)، یکی از جغرافیدان‌های این مکتب، به نقل از براون و یانارلا (Yanarella) چنین می‌گوید: جغرافیای سیاسی انسان‌گرا مربوط به کشف فرآیندهای پویای اجتماعی است که از طریق آن، ابعاد فضایی جهان مادی و اجتماعی از سوی گروه‌های ملی و فراملی به‌صورت بخش‌هایی که از حیث جغرافیایی محدود و از حیث نمادین معنادار هستند، همواره سازماندهی می‌شوند. در میان مهم‌ترین مسایل و موضوعات جغرافیای سیاسی انسان‌گرا، نقش حکومت در پدیدآوردن چشم‌اندازهایی است که با مکان پیوستگی دارند (مانند نمادها، تصاویر و ...) و همچنین، جایگاه گروه‌بندی‌های مختلف در تشخیص معنای سرزمین در ملت‌سازی و شکل‌گیری کشور.<sup>۳</sup> در چارچوب همین جغرافیای سیاسی انسان‌گرا، مویر جغرافیای سیاسی را چنین تعریف می‌کند:

«جغرافیای سیاسی به مطالعه ادعاها و منازعات انسانی درباره استفاده، شراکت و مالکیت زمین و منابع آن می‌پردازد.»<sup>۴</sup> باید در نظر داشت این منازعات در سطوح و مقیاس‌های بسیار متفاوتی به وقوع می‌پیوندند؛ از جمله ممکن است شامل همسایگانی شود که بر سر جایگزینی صحیح تیرهای نگه‌دارنده نرده باغ مشاجره می‌کنند، یا ادعاهای ارضی میان قبایل رقیب و یا گروه‌هایی از اقوام و ملیت‌های مختلف که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، یا امکان دارد میان کشورهای همسایه به وقوع بپیوندد، و یا به صورت رقابت‌هایی بر سر نفوذ جهانی میان بلوک‌های قدرت رخ دهد.

در چارچوب جغرافیای سیاسی انسان‌گرایانه، مفاهیمی چون «مکان» و «قلمروخواهی» از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این مفاهیم ما را در درک بهتر و عمیق‌تر منازعه طولانی بر سر سرزمین فلسطین که زمان اشغال آن از سال ۱۹۴۸ آغاز شده، یاری می‌دهند.

قلمروخواهی از جمله مفاهیم اساسی در جغرافیای سیاسی است که نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتارهای جوامع انسانی در رابطه با مکان، مرزبندی مکان، منازعات مکانی، هویت و بازنمایی‌های نمادین در درون مکان ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد تعریفی که ساک در مورد پدیده قلمروخواهی انسان‌ارایه داده است، امروز بیشترین کاربرد را دارد. وی پدیده قلمروخواهی انسان را این‌طور تعریف می‌کند: «کوشش یک فرد یا یک گروه برای تاثیرگذاری، نفوذ و یا کنترل مردم، پدیده‌ها و روابط، از طریق تحدید حدود و نظارت بر یک منطقه جغرافیایی.»<sup>۵</sup> قلمرو تاحدی می‌تواند طولانی‌ترین منازعه سرزمینی قرن بیستم که ادامه آن به قرن بیست‌ویکم کشیده شده است را توجیه کند، اما از عهده یک تبیین جامع برنخواهد آمد. برقراری نظارت بر یک منطقه جغرافیایی، مزیت‌های بارزی مانند استقلال و ثروت و یا پیامدهایی مانند مرگ یا بردگی را در پی دارد. اما کاملاً مشخص است که رابطه انسان با زمین، مقوله‌ای بیش از ملاحظات اقتصادی و سیاسی بوده و دارای پیوندهای عاطفی و روانی می‌باشد. زمین ممکن است معاش انسان را فراهم کند، اما عوامل عاطفی و احساسی‌تری چون بار احساسی مکان را نیز دربردارد. نویسندگانی همچون کاسگرو و دانیلز (Cosgrove & Daniels) و دیگران مطالعاتی را درباره سرزمین در چارچوب جغرافیای انسان‌گرای معاصر انجام داده‌اند. طی این مطالعات آنان به کشف «نمادنگاری سنتی» (Iconography) مربوط به یک سرزمین نایل آمدند و آشکار نمودند که سرزمین و

حس مکانی همراه با آن از اجزای مهم نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یک کشور است. رابطه قلمروخواهی با هویت ملی نیز حائز اهمیت بوده و دارای ابعاد گوناگونی است؛ زیرا حس استقلال ملی تاثیر فراوانی بر نگرش افراد نسبت به قلمرو دارد؛ برای مثال، در حکومت فتودالی، زمین تنها میان دولت‌ها و از طریق جنگ یا ازدواج رد و بدل می‌شود، اما زمانی که قلمرو حکومت تبدیل به وطن ملی شد، پیوند میان زمین و جامعه غیرقابل تجزیه می‌گردد. همین رابطه است که با گذشت بیش از ۶۰ سال، هنوز هم فلسطینیان را ترغیب به مبارزه برای بازپس‌گیری وطن ملی خود می‌کند.

۲۱

دومین مفهوم اساسی جغرافیای سیاسی، مکان است که حاصل تعامل جوامع و اجتماعات انسانی با سرزمین می‌باشد؛ در واقع، مکان محصول انسان است.<sup>۶</sup> مکان پیوند تنگاتنگی با نماد دارد. نمادها می‌توانند عوارض طبیعی یا ساخت انسان باشند؛ مانند کوه طور، محل نزول وحی به حضرت موسی(ع)، و یا مسجدالاقصی در قدس شریف. مکان‌های نمادین تاثیر شگرفی بر حس قلمروخواهی و تعلق به یک مکان خاص برجای می‌گذارند؛ حسی که به واسطه فاصله یا گذر زمان تشدید می‌گردد. هویت مکانی دست‌کم چهار جزء اسطوره، نماد، تاریخ و عوامل نهادی را شامل می‌شود. اسطوره شامل باورهایی مانند مذهب و ملی‌گرایی است. نماد جنبه‌های معنی‌دار فرهنگ است که زبان و نام‌های ناشی از آن را شامل می‌گردد؛ مانند خلیج فارس، دماوند و بیت‌المقدس. تاریخ که اساساً لازم نیست خیلی مستند باشد و منظور از آن، آگاهی نسبت به گذشته سرزمین و رویدادهای عاطفی مربوط به سرنوشت یک فرهنگ است؛ روایت‌های مختلف در مورد تاریخ قدس از سوی مسلمانان، یهودیان و مسیحیان در این مقوله می‌گنجد.<sup>۷</sup>

فلسطین به عنوان یک مکان جغرافیایی برای ساکنان آن اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی بار معنایی، عاطفی و احساسی ویژه‌ای دارد. هریک از پیروان این ادیان - چه ساکن فلسطین باشند، چه نباشند - دارای پیوند نزدیکی با این سرزمین هستند و اسطوره‌ها، تاریخ و نمادهای آن تاثیر ژرفی بر این رابطه دارند. پیوند میان سرزمین با تاریخ، دین، اسطوره و نماد موجب پدیدآمدن مکانی گردیده که هریک از طرفین دعوا هویت و وجود خود را در تسلط بر این مکان خاص با همه ویژگی‌های آن می‌بینند. چنین رابطه‌ای با یک سرزمین

در صورت پدید آمدن اختلاف و منازعه ارضی، رسیدن به مصالحه و صلح را اگر نگوئیم غیرممکن، بسیار مشکل می‌کند.

### ۳. موقعیت و وسعت

سرزمین اشغالی از نقطه نظر موقعیت نسبی در جنوب غرب آسیا و در قلب منطقه خاورمیانه و محل پیوند قاره‌های آسیا و آفریقا واقع شده است. از لحاظ مختصات جغرافیایی، این کشور ۳ درجه و ۴۵ دقیقه عرض جغرافیایی (بین مدارهای ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۳۳ درجه و ۴۵ دقیقه شمالی) و ۱ درجه و ۴۰ دقیقه طول جغرافیایی (بین نصف‌النهارهای ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه و ۳۵ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی) واقع گردیده است، به این ترتیب که طول آن از شمال به جنوب ۴۲۰ کیلومتر و عرض آن از شرق به غرب در پهن‌ترین محل ۱۱۸ کیلومتر است. این مختصات از نظر جغرافیای استراتژیک و امنیت مرتبط با عمق استراتژیک، اسرائیل را در وضعیت بسیار آسیب‌پذیری قرار داده و شاید یکی از دلایلی باشد که عدم واگذاری زمین‌های کرانه غربی رود اردن به فلسطینیان را توجیه کند.

براساس آخرین محاسبات، مساحت اسرائیل ۲۲ هزار و ۷۲ کیلومتر مربع است که از این وسعت ۲۱ هزار و ۶۴۳ کیلومتر مربع آن خشکی و ۴۲۹ کیلومتر پهنه‌های آبی بحرالمتیت و دریاچه جلیله (طبریه) را شامل می‌گردد. در محاسبه عدد مربوط به مساحت اسرائیل، مساحت بیت‌المقدس شرقی و بلندی‌های جولان به وسعت ۱۱۷۶ کیلومتر مربع که به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۸۱ به قلمرو اسرائیل ضمیمه شده‌اند، لحاظ گردیده است.<sup>۸</sup>

طول مرزهای اسرائیل (خشکی و آبی) ۱۲۹۰ کیلومتر است که از این مقدار، ۱۰۱۷ کیلومتر مرزهای خشکی و ۲۷۳ کیلومتر مرزهای آبی در کنار دریای مدیترانه را شامل می‌گردد. با مقایسه طول مرزهای اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران، مشخص می‌شود با وجود آنکه وسعت ایران ۸۰ برابر اسرائیل است، اما طول مرزهای ایران تنها ۷ برابر آن می‌باشد (۸۵۵۰ کیلومتر). به عبارت دیگر، به دلیل شکل ویژه اسرائیل که طول آن چهار برابر پهنای آن می‌باشد، مرزهای آن طولانی‌تر از کشور ایران است که به شکل مدور نزدیک‌تر است. این وضعیت به لحاظ امنیتی،

اسرائیل را در برابر همسایه‌های آن بسیار آسیب‌پذیر می‌کند؛ زیرا در پهن‌ترین بخش تنها ۱۱۸ کیلومتر پهنای دارد و در بسیاری از نواحی پهنای آن به زحمت از ۶۰ کیلومتر فراتر می‌رود. از سوی دیگر، کشیدگی نوار غزه در امتداد دریای مدیترانه به درون اسرائیل و موقعیت جغرافیایی سرزمین کرانه غربی رود اردن در مرکز سرزمین‌های اشغالی این آسیب‌پذیری را تشدید می‌کند. اسرائیل از سمت غرب با دریای مدیترانه (۲۷۳ کیلومتر)، از جنوب غربی با غزه (۵۱ کیلومتر) و مصر (۲۶۶ کیلومتر)، از شرق با اردن (۲۳۸ کیلومتر)، از شمال شرقی با سوریه (۷۶ کیلومتر) و از شمال با لبنان (۷۹ کیلومتر) مرز مشترک دارد. همچنین، در صورتی که کرانه غربی رود اردن را جزو قلمرو حکومت خودگردان فلسطین به‌شمار آوریم، طول مرزهای آن ۳۰۷ کیلومتر خواهد بود.<sup>۹</sup>

#### ۴. آب و هوا

موقعیت جغرافیایی اسرائیل در سواحل جنوب شرقی مدیترانه موجب گردیده بخش بزرگی از این سرزمین شامل نواحی شمالی، مرکزی و غربی کشور از آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای برخوردار باشند. از ویژگی‌های این آب و هوا، زمستان ملایم و مرطوب و تابستان گرم و خشک است. علت خشکی هوا در تابستان استقرار سلول پرفشار جنب حاره روی کل خاورمیانه از جمله اسرائیل و دریای مدیترانه است. در این میان تفاوت ارتفاع و میزان بارش، چشم‌اندازهای متغیر و متنوعی ایجاد می‌کنند که در جای خود قابل تامل هستند. آب و هوای نوار شرقی در دره رود اردن و نیمه جنوبی گرم و خشک است. البته دوری و نزدیکی از دریای مدیترانه و ارتفاع از سطح دریا تفاوت‌های چشمگیری از لحاظ دما و بارش ایجاد می‌کند.

به‌طور کلی، فلسطین به لحاظ آب و هوایی در منطقه حد واسط آب و هوای مدیترانه‌ای و بیابان‌های آسیا و آفریقا واقع شده است. ویژگی مهم این سرزمین عبارت است از فصول خشک و مرطوب و تضادهای اقلیمی ناحیه‌ای که بخش مهمی از آن از تنوع توپوگرافیک (ناهمواری‌ها) ناشی می‌شود. فصل بارانی در اکتبر یا نوامبر آغاز می‌شود و در آوریل پایان می‌یابد. بقیه سال بارش بسیار کمی دارد و سه یا چهار ماه تابستان به کلی خشک است. به این ترتیب، طی ماه‌های

سرد زمستان که تبخیر کم است، باران می‌بارد. مقدار بارش نیز متفاوت است و از شمال به جنوب کاهش می‌یابد، به گونه‌ای که پربارش‌ترین ناحیه در ارتفاعات جلیله دارای بارشی معادل ۱۰۰۰ میلی‌متر و کم‌بارش‌ترین نقاط در صحرای نقب با کمتر از ۵۰ میلی‌متر بارش سالانه واقع شده‌اند. نوار مرکزی بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلی‌متر بارش دارد و بارش دره رود اردن نیز به دلیل واقع شدن در بادپناه ارتفاعات مرکزی از ۵۰۰ میلی‌متر در حوالی دریاچه طبریه به کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر در جنوب بحرالمت کاهش می‌یابد. میزان بارش نیز بسیار متغیر بوده و در سال‌های پرباران به بیش از دو برابر مجموع بارش یک سال کم‌بارش بالغ می‌گردد. مقداری از بارش‌ها به صورت رگبار و طوفان‌های مهیب صورت می‌گیرد و طی آن ممکن است تا ۱۰۰ میلی‌متر در عرض ۲۴ ساعت ببارد. بارش برف در زمستان در ارتفاعات امری کاملاً عادی است.

دما نیز تفاوت‌های ناحیه‌ای زیادی را نشان می‌دهد و مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده این تفاوت‌ها، فاصله از دریا و ارتفاع از سطح دریاست. وضع دما در مجموع مطبوع و مناسب است. در تابستان دمای بیش از ۴۰ درجه در ایلات و دره اردن امری عادی است. در این نواحی زمستان ملایم است. دمای ارتفاعات مرکزی در تابستان ملایم و در زمستان تا حدی سرد است. در قدس حداکثر تابستان ۳۲+ و حداقل زمستان در شب‌ها در حدود ۵+ است. در جلگه ساحلی نیز به علت رطوبت نسبی بالا، دما در زمستان ملایم (بین ۸ تا ۱۸ درجه) و در تابستان گرم و مرطوب است. در دره اردن گاهی در تابستان دما به ۴۰ درجه بالای صفر نیز می‌رسد که به همراه رطوبت بالا بر ناراحتی ناشی از گرما می‌افزاید. در مقابل، در مرکز و جنوب صحرای نقب خشکی هوا در حد مطلوبی است و گرما را قابل تحمل می‌کند.<sup>۱۰</sup>

## ۵. ناهمواری‌ها و توپوگرافی

با وجود آنکه اسرائیل سرزمین کوچکی است، اما از نظر توپوگرافی و ناهمواری‌ها به شش ناحیه مشخص تقسیم می‌شود که نشان از پیچیدگی زمین‌شناسی و آب و هوایی آن دارد. در یک نگاه کلی به نقشه جغرافیایی طبیعی اسرائیل، سه ناحیه مشخص توپوگرافیک قابل تشخیص است: یک جلگه ساحلی در امتداد دریای مدیترانه از حیفا تا غزه؛ دو. کوه‌ها و بلندی‌های مرکزی



از جلیله در شمال تا نقب در جنوب؛ سه. دره رود اردن و بحرالْمیت که دنباله دره نشستنی بزرگ آفریقای شرقی است که از طریق دره نشستنی در فلات حبشه، دریای سرخ و خلیج عقبه تا دره رود اردن و غرب سوریه امتداد یافته است. به رغم این سادگی ظاهری، شش ناحیه جغرافیایی و توپوگرافیک کاملاً مشخص در این سرزمین کوچک قابل تشخیص است.

**– بلندی‌های جلیله:** در شمال اسرائیل میان مرزهای لبنان، سوریه و دریای مدیترانه واقع شده است. این ارتفاعات دنباله کوه‌های لبنان است که به تدریج به سوی جنوب از ارتفاع آنها کاسته شده و امتداد آن در قلمرو فلسطین و حداکثر ارتفاع آن در کوه هاره مرون (Hare Meron) به ۱۲۰۸ متر می‌رسد. ارتفاع بلندی‌های جلیله به سوی اطراف کاهش می‌یابد، به گونه‌ای از شرق به دره رود اردن، از سمت جنوب به دره جزرئیل (یا به عبری عمک ییزائل) و در انگلیسی (Vale of Esdraelon) و از غرب به جلگه عکا ختم می‌گردد. جلیله پرباران‌ترین منطقه فلسطین است که نزولات آن در بعضی نقاط که منطبق با ارتفاعات است به ۱۰۰۰ میلی‌متر می‌رسد. زیباترین جنگل‌های فلسطین در این ناحیه واقع شده است.

**– دره جزرئیل (عمک ییزائل):** برجستگی عظیم جبل الکرمل در جنوب خلیج حیفا که ادامه بلندی‌های مرکزی فلسطین (سمریه-یهودیه) است و جلگه ساحلی دریای مدیترانه را قطع می‌کند. جلگه عکا در سمت شمال جبل الکرمل و جلگه وسیع‌تر شارون و جلگه‌های ساحلی در سمت جنوب آن واقع شده‌اند. پهنای این جلگه‌ها در هیچ‌جا از ۲۰ کیلومتر تجاوز نمی‌کند. دره جزرئیل یک گودافتادگی زمین‌ساختی است که بر اثر فرورنشینی لایه‌های زمین تشکیل شده و یک لایه ضخیم آبرفتی که از فرسایش تدریجی دیواره‌های بازالتی و سنگ‌های آهکی ارتفاعات اطراف به وجود آمده، آن را پوشانده است. خاک این دره سنگین و تیره و دارای مواد آلی فراوانی است که از گیاهان باتلاقی انبوهی حاصل شده که تا زمان ایجاد مستعمره یهودی در ۱۹۲۰ در آن محل به بار نشسته بود. این دره از نواحی مهم کشاورزی فلسطین و اسرائیل به‌شمار می‌رود و در طرح‌های تقسیم فلسطین همواره مورد ادعای یهودیان بوده است.<sup>۱۱</sup> دره جزرئیل از گذرگاه‌های مهم در تاریخ است که پیوند میان نواحی داخلی آسیای جنوب غربی را با مدیترانه و مصر و آفریقا برقرار می‌کرد. دهانه این دره از سمت غرب و شرق نسبتاً پهن، اما در میانه به چند

کیلومتر کاهش می‌یابد. لذا از دوران قدیم به‌عنوان یک ناحیه مهم راهبردی مطرح بوده است.<sup>۱۲</sup>

**- دره رود اردن:** بدون تردید مهم‌ترین ویژگی جغرافیای طبیعی فلسطین، دره نشست‌ی آن است که در تمامی طول کشور در مشرق از مرز لبنان تا خلیج عقبه امتداد دارد. پهنای این دره از ۳ تا ۲۵ کیلومتر متغیر است. ارتفاع اکثر نقاط آن پایین‌تر از سطح آب‌های آزاد است. خود این دره شامل چندین ناحیه می‌شود. در شمال، دریاچه کم‌عمق حوله واقع شده که نیزارهای اطراف آن در گذشته مالاریاخیز بود و امروزه به زمین‌های کشاورزی تبدیل شده‌اند. در جنوب حوله، دریاچه طبریه (یا دریاچه جلیله) واقع شده که هر دو دریاچه در اصل از جریان‌های بازالتی عرض دره نشست‌ی به‌وجود آمده‌اند. رود اردن پس از دریاچه طبریه حدود ۱۰۰ کیلومتر را با پیچ و تاب بسیار (ماندر) می‌پیماید و به بحرال‌میت می‌ریزد. بارندگی در دره اردن کمتر از ۳۰۰ میلی‌متر است و درجه حرارت در تابستان تا ۵۰ درجه بالای صفر نیز می‌رسد، اما به کمک آبیاری صنعتی، کشاورزی در آن رونق دارد. بخش‌های جنوبی دره اردن در حد فاصل بحرال‌میت تا خلیج عقبه با نام عربی به‌دلیل نامساعد بودن آب و هوا و قلت بارش هیچ‌گاه از لحاظ مسکونی اهمیت نداشته، اگرچه اسرائیل کیبوتص‌هایی (مزارع تعاونی) را در آن برپا کرده است. اهمیت اساسی بحرال‌میت یکی به‌لحاظ توریستی است که سالانه صدها هزار جهانگرد را به‌سوی خود جلب می‌کند و دیگری غنی بودن انواع مواد معدنی آن که شامل مقادیر فراوان پتاس، نمک طعام، برمورها، کلرور منیزیم و کلرور سدیم می‌شود.<sup>۱۳</sup>

**- کوه‌ها و بلندی‌های مرکزی:** این ناحیه شامل بلندی‌های مرکزی فلسطین است که از شمال به دره جزرئیل، از غرب به جلگه‌های دریای مدیترانه، از شرق به دره رود اردن و از جنوب به صحرای نقب محدود می‌گردد. این ناحیه به لحاظ طبیعی شامل دو بخش است که در شمال به نام سامره (سمریه) و در جنوب یهودیه نامیده می‌شود. تپه‌های سامره مهم‌ترین ناحیه از حیث تاریخی، مذهبی و نمادین برای اسرائیل است و با مرکز قلمرو باستانی اسرائیل در فاصله بین دره جزرئیل و فلات یهودیه در جنوب مطابقت می‌کند. بلندی سامره از یهودیه و جلیله کمتر است و بلندترین نقطه آن به ارتفاع ۹۰۰ متر در شمال نابلس واقع شده است. آب و هوا و پوشش گیاهی آن چیزی بین دو ناحیه یاد شده است. میزان بارندگی آن بین ۶۳۰ تا ۷۵۰ میلی‌متر بوده، اما

آب‌های سطحی آن فراوان نیست. تا پیش از ۱۹۴۸، هم جلیله و هم سامره روستاهای پرجمعیتی از اعراب مسلمان را در خود جای داده بودند که در میان آنها گروه‌هایی از دروزی‌ها و مسیحیان نیز دیده می‌شوند.<sup>۱۴</sup> در حالی که سامره به تپه‌ها و دره‌هایی تقسیم می‌گردد، یهودیه بیشتر همانند فلات بلندی است که ارتفاع آن بین ۴۵۰ تا ۹۰۰ متر است. چشم‌انداز ناحیه یهودیه را صخره‌های لخت و بی‌حفاظ تشکیل می‌دهد که سنگ‌های نامنجمی در میان این مناظر چشمگیر است. به جز بستر چند دره، امکانات کشت در این ناحیه محدود است. در یهودیه از غرب به شرق سه ناحیه به موازات هم قابل تشخیص است: کوهپایه‌های غربی که تا ۵۰۰ میلی‌متر بارش دارند و چندین دره وسیع و حاصلخیز را دربر می‌گیرند، تپه‌های مرکزی که تا حدود ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارند (بلندترین نقطه ۱۰۲ متر در شمال الخلیل یا حبرون واقع است) و بارش آن به ۷۰۰ میلی‌متر می‌رسد و نوار شرقی یا بیابان یهودیه که در واقع دامنه‌های رو به دره اردن را تشکیل می‌دهد و خشک و غیرمسکونی است و بارش سالانه آن کمتر از ۳۰۰ میلی‌متر است. ارتفاع مرکزی سامره-یهودیه، هارتلند تاریخی و فرهنگی فلسطین به‌شمار می‌رود و در واقع سرزمین مقدس شامل این ناحیه می‌گردد. شهرهای قدس، بیت‌الحم، رام‌الله، الخلیل (حبرون)، نابلس و جنین در این ناحیه واقع شده‌اند. بیشتر این ناحیه امروز در قلمرو سرزمینی است که به کرانه غربی رود اردن معروف است. بلندی‌های سامره-یهودیه یا کرانه غربی رود اردن، به‌لحاظ امنیت اسرائیل و منابع آب از اهمیت بالایی برخوردار هستند و مجموعه عواملی چون تاریخ، فرهنگ، منابع آب و امنیت موجب گردیده تا عقب‌نشینی از این مناطق به مرزهای پیش از جنگ ۱۹۶۷ برای اسرائیل بسیار دردناک باشد.

### ۶ صحرای نقب (نگو)

در جنوب مدار ۳۱ درجه عرض شمالی (خطی که از بحرالمت به غزه امتداد دارد)، بیابان مثلث شکل وسیعی واقع است که نیمی از سرزمین فلسطین تاریخی و ۶۰ درصد قلمرو اسرائیل (مرزهای ۱۹۴۸) را تشکیل می‌دهد. حدود آن از شمال تاحدی نامشخص است، اما مدار ۳۱ درجه عرض شمالی یا همان خط همبارش ۳۰۰ میلی‌متر مرز مناسبی برای این بیابان است؛

اما مرزهای آن از شرق و غرب کاملاً مشخص است. این بیابان از شرق به امتداد دره نشستگی اردن با نام عربی و از سمت غرب به مرزهای تاریخی فلسطین و مصر محدود می‌گردد. کشاورزی گسترده در نقب تنها در شمال غربی آن یعنی در مجاورت ناحیه پرجمعیت نوار غزه امکان‌پذیر است. این منطقه یک گودال پوشیده از رسوبات مترکم خاک بُس (ماسه بادی) است و نیز شنزارهای وسیعی را دربرمی‌گیرد. ماسه بادی یا بادرفت می‌تواند به حاصلخیزی خاک کمک کند، اما از آنجا که شدیداً مستعد فرسایش است گاهی به‌صورت بد بوم یا هزار دره درمی‌آید. در مجموع کشت و کار در نقب به شیوه‌های تخصصی و ماهرانه نیاز دارد. بارندگی در شمال غربی نقب در مجاورت غزه کافی اما قابل اطمینان نیست. سایر بخش‌های نقب، سالانه بین ۲۰۰ تا ۵۰ میلی‌متر بارندگی دارد. یک رشته از کوه‌ها و تپه‌ها به ارتفاع ۵۰۰ تا ۷۰۰ متر در سرتاسر نقب مرکزی پراکنده هستند و در نزدیکی مرز مصر و صحرای سینا ارتفاع آنها به ۱۰۰۰ متر نیز بالغ می‌گردد (بلندترین نقطه به ارتفاع ۱۰۳۵ متر در نزدیکی مرز مصر واقع شده است). به دلیل نامساعد بودن عوامل طبیعی، این ناحیه هیچ‌گاه جمعیت انبوهی نداشته اما از لحاظ اقتصادی از اهمیت بسیاری برخوردار است. تقریباً معادن مهم اسرائیل مانند مس و فسفات، گاز طبیعی و ماسه شیشه‌ای در این منطقه قرار دارند. نقب در عین حال عمق استراتژیک اسرائیل به‌شمار رفته و تنها نیروگاه هسته‌ای آن کشور به نام دیمونا در شمال شرقی آن واقع گردیده است.<sup>۱۵</sup>

– **جلگه ساحلی دریای مدیترانه:** آخرین ناحیه جغرافیایی اسرائیل است که از مرز لبنان در شمال تا غزه در جنوب به طول ۲۷۳ کیلومتر کشیده شده است. این جلگه توسط امتداد جبل‌الکرمل در جنوب خلیج حیفا (یا خلیج عکا) به دو بخش تقسیم می‌گردد: بخش شمالی در حد فاصل حیفا تا مرز لبنان که ادامه دره جزرییل به‌شمار می‌رود. از جنوب حیفا تا مرز غزه جلگه ساحلی اسرائیل به طول ۲۵۰ کیلومتر کشیده شده که دشت‌های وسیع شارون و جلگه‌های دیگر را شامل می‌شود. پهنای این جلگه در هیچ نقطه‌ای از ۲۰ کیلومتر فراتر نمی‌رود. خط ساحلی مستقیم و بدون بریدگی بوده و فاقد بندرگاه طبیعی است و تپه‌های شنی در امتداد آن دیده می‌شود که پهنای آن در برخی نقاط به پنج کیلومتر می‌رسد. بهترین و حاصلخیزترین

خاک‌های اسرائیل در این جلگه قرار دارد که عمدتاً از رسوبات آبرفتی حمل شده توسط رودها از ارتفاعات مجاور تشکیل شده است. خاک‌های سرخ حاصلخیز مدیترانه‌ای در نواحی غربی جلگه به‌ویژه برای کشت مرکبات مناسب هستند. خاک بخش‌های شرقی جلگه و منطقه عکا از خاک حاصلخیزتری پوشیده شده‌اند که می‌توان برخی محصولات را در آنجا به صورت دیم کاشت. جلگه ساحلی به‌دلیل وجود چاه‌ها و چشمه‌ها از نظر منابع آب غنی است. میزان بارش در بلندی‌های شرقی به ۷۰۰ میلی‌متر می‌رسد و از آنجا که شیب چینه‌های نفوذپذیر به سوی غرب است، آب زیرزمینی ارزشمندی برای جلگه‌های ساحلی فراهم می‌کنند. وجود این شرایط جذاب و مطلوب، موجب گردید مهاجران اولیه یهودی که ادعا می‌کردند با انگیزه‌های مذهبی به فلسطین مهاجرت کرده و خواستار بازپس‌گیری سرزمین تاریخی خود بودند، به جای بلندی‌های سامره - یهودیه به آبادسازی جلگه ساحلی، دالان جزرئیل و بخش علیای دره اردن پرداختند.<sup>۱۶</sup>

#### ۷. مسایل اساسی در جغرافیای سیاسی اسرائیل

پیچیدگی و تنوعی که در جغرافیای طبیعی اسرائیل وجود دارد، سبب شده است چشم‌اندازهای متضادی در فواصل اندک در کنار هم قرار بگیرند. به جرات می‌توان گفت که تمامی مفاهیم و پدیده‌هایی که در جغرافیای سیاسی و زیرمجموعه فرعی آن ژئوپلیتیک مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند، جزو مسایل مربوط به جغرافیای سیاسی آن بوده و در کنار هم قرار گرفتن آنها، مجموعه پیچیده‌ای از خواسته‌ها، ادعاها و تمایلات را در متن پیچیده‌ای از تاریخ، فرهنگ و مذهب به گونه‌ای در کنار هم قرار داده که موجب پدیدآمدن پیچیده‌ترین منازعه در نظام بین‌المللی از ۶۴ سال پیش به این سو گردیده است. از قضا منازعه اعراب، اسرائیل و مساله فلسطین، جغرافیایی‌ترین منازعه در جهان می‌باشد که به‌دلیل آمیخته‌شدن به ایدئولوژی، مذهب، نمادهای سرزمینی مذهبی و رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی وضعیتی بسیار پیچیده یافته که در طول شش دهه گذشته لاینحل باقی مانده است و به‌رغم راه‌حل‌های گوناگونی که برای حل و فصل آن از سوی کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ ارایه شده، چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای در خصوص حل و فصل آن در کوتاه‌مدت و میان‌مدت دیده نمی‌شود. چارچوب

نظری بررسی موضوع در قالب مفهوم قلمروخواهی و مکان در جغرافیای سیاسی انسان‌گرا قابل بحث است.

### یک. قلمروخواهی و مساله فلسطین

از یک منظر، اختلاف میان فلسطینیان و یهودیان بر سر مساله سرزمین‌های اشغالی و بحث قلمروخواهی دو ملت برای تشکیل دولت و کشور است؛ دو ملت وجود دارند، یهودیان اسرائیل و اعراب فلسطینی که هر دوی آنها براساس حس قلمروخواهی بر یک سرزمین که از دید هریک نامی متفاوت دارد، ادعای مالکیت دارند. در آغاز قرن بیستم فلسطین به‌طور غالب عربی (و اسلامی) بود؛ وضعیتی که از حدود ۱۳ قرن قبل به‌همین صورت بود. طی نیم‌قرن بعد، یهودیان که ۲۰۰۰ سال پیش از فلسطین رفته و در گوشه و کنار جهان به صورت پراکنده زندگی می‌کردند، دوباره آهنگ بازگشت به فلسطین را سر دادند و با اجرای برنامه‌های حساب شده از جمله مکاتبات مک ماهون، سرزمین اعراب را به زور اشغال کردند و اکثر آنها را مجبور به فرار به کشورهای پیرامون نمودند.<sup>۱۷</sup> در جریان این فرآیند، یهودیان به وطنی که آن را اسرائیل می‌نامیدند رسیدند، در حالی که اعراب فلسطین به عنوان ساکنان اصلی این سرزمین، وطن خود را از دست داده و یک ملت آواره جدید به‌وجود آوردند. هریک از این ملت‌ها بر حق خودمختاری ملی و داشتن یک دولت اصرار می‌ورزد، در حالی که برخی گروه‌های فلسطینی به ناچار و زیر فشار سال‌ها آوارگی و جنگ، حق یهودیان برای داشتن کشور در چارچوب مرزهای ۱۹۴۸ را به رسمیت شناخته‌اند. اسرائیل این حق فلسطینی‌ها را هنوز به‌طور کامل نپذیرفته و آن را انکار می‌کند. البته در میان یهودیان اسرائیلی گروه‌هایی هستند که حق داشتن یک وطن ملی را برای فلسطینی‌ها قبول دارند، اما جریان نیرومند حاکم همچنان در برابر این خواسته به حق ایستادگی کرده و یا موانعی از قبیل ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین و بازپس ندادن قدس شرقی را بر سر راه تشکیل دولت فلسطین قرار می‌دهد تا حصول به این مهم امکان‌پذیر نگردد.

اگر منازعه تنها بر سر خاک و سرزمین بود، شاید بسیار زودتر و با مبادله چند امتیاز حل‌وفصل می‌گردید، اما نکته اصلی در گره خوردن خاک و سرزمین با هویت، تاریخ، فرهنگ و

روح ملی مردمانی است که به زور از خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده‌اند، در حالی که حافظه تاریخی آنها تمام خاطرات هویتی و فرهنگی را به همراه نشانه‌های سرزمینی، ادبیات، اسطوره‌ها، داستان‌ها و نام‌های جغرافیایی مکان‌ها از نسلی به نسل دیگر انتقال داده و روح آنها را زنده نگه می‌دارد. از سوی دیگر، یهودیان نیز با این سرزمین دارای پیوندهای تاریخی و عاطفی هستند و در طول ۶۰ سال گذشته مدام بر این پیوند افزوده شده است. پس دو حس قلمروخواهی متضاد نخستین و مهم‌ترین ویژگی جغرافیای سیاسی فلسطین به‌شمار می‌رود. با گذشت زمان حس قلمروخواهی اعراب فلسطین به تدریج دامنه گسترده‌تری یافته و با حمایت مسلمانان در سایر کشورهای اسلامی کاملاً جنبه عقیدتی به خود گرفته و به یک آرمان اسلامی تبدیل شده است، به گونه‌ای که مساله سرزمین از دست رفته با ارزش‌های تاریخی و نمادین اسلامی گره خورده و مساله قدس به‌عنوان نخستین قبله مسلمین و محل معراج پیامبر اسلام، چنان جایگاه مقدس و رفیعی به آن بخشیده که بازنمایی‌کننده بخش مهمی از ریشه‌های تاریخی اسلام و نسب ابراهیمی آن است. در مساله قلمروخواهی یهودیان، اهداف راهبردی و مسایل ژئوپلیتیک نیز حائز اهمیت هستند. از زمانی که مساله تاسیس یک «وطن ملی» برای یهودیان مطرح شد، بسیاری از یهودیان با جنبش صهیونیست مخالف بودند. برخی آرمان سیاسی بی‌دینی آن را مردود دانسته و مجادله می‌کردند که بازگشت به صهیون باید پس از آمدن منجی موعود صورت گیرد. برخی دیگر رنگ ملی‌گرایانه آن را نمی‌پسندیدند و اعتقاد داشتند یهودیت ملیت نیست، بلکه مانند اسلام و مسیحیت یک مذهب است. عده‌ای دیگر بیم داشتند که صهیونیست‌ها خود را متکی بر تز ضدسامی کنند و برخی دیگر هم‌صدا با مارکس ضدسامی‌گری را محصول سرمایه‌داری می‌دانستند که با بر افتادن یکی دیگری هم محو خواهد شد.<sup>۱۸</sup> هییم وایزمن، یکی از معماران اسرائیل، تلاش بسیاری نمود تا با تحریک بریتانیا و مطرح کردن مسایل راهبردی، آنها را به ایجاد یک وطن ملی برای یهودیان وادار کند. وی در این باره تصریح نمود که اگر بریتانیا اسکان یهودیان را در فلسطین تشویق کند، در فاصله ۲۰ تا ۳۰ سال ما می‌توانیم یک میلیون شاید بیشتر یهودی در اینجا (فلسطین) داشته باشیم. آنها کشور را توسعه خواهند داد، تمدن را به اینجا خواهند آورد و یک نگهبان موثر برای کانال سوئز خواهند بود.

## دو. مساله قدس

بدون تردید، قدس که به اسامی بیت‌المقدس، اورسالیم (شهر مقدس) و اورشلیم نیز آمده است، مهم‌ترین شهر فلسطین به‌شمار می‌رود.<sup>۱۹</sup> این شهر برای ادیان سه‌گانه جهانشمول و مومنان به آن از اهمیت و قداست خاصی برخوردار است. قدس از دو بخش تشکیل شده: یکی قدس کهن که در واقع علت تقدس این شهر به واسطه این بخش است؛ و دیگری قدس جدید که در کنار قدس قدیم ساخته شده است.

تا پیش از تشکیل اسرائیل و در زمان حاکمیت امپراتوری عثمانی، شهر قدس مرکز سنجک مستقل اورشلیم (بیت‌المقدس) در میان دو ولایت بیروت و سوریه به‌شمار می‌رفت. پس قیمومیت فلسطین از سوی بریتانیا و دادن وعده و وعیدهای متضاد به اعراب و یهودیان که ظاهراً در باطن به نفع تشکیل وطن ملی به سود یهودیان بود، طرح‌هایی برای تقسیم سرزمین فلسطین ارائه گردید؛ از جمله طرح پیل در ۱۹۳۶ و طرح تقسیم سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ که در همه این طرح‌ها نظر به اهمیت قدس، این شهر را منطقه بین‌المللی اعلام کرده بودند. با اعلام تاسیس اسرائیل در ماه می ۱۹۴۸ و پس از جنگ‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹، قدس به دو بخش تقسیم گردید. بخش غربی آن تحت کنترل اسرائیل و بخش شرقی که مهم‌ترین بخش تاریخی آن شهر بود، تحت کنترل دولت اردن قرار گرفت. با وقوع جنگ شش روزه در ماه ژوئن ۱۹۶۷، کل کرانه غربی رود اردن از جمله قدس شرقی که در واقع هارتلند مذهبی و تاریخی فلسطین به‌شمار می‌رفت، به تصرف اسرائیل درآمد.

بزرگ‌ترین امتیاز و برگ برنده اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷، دستیابی به شهر تاریخی اورشلیم (قدس کهن) و دیوار غربی (یا دیوار ندبه) و بسیاری از مکان‌های مقدس دیگر بود. اهمیت بخش شرقی قدس برای اسرائیل به حدی بود که ترنس اسمیت (Terrence Smith) آن را «مقدس‌ترین مکان‌ها» نامید و خاطر نشان کرد ارتش اسرائیل هرگز آن را ترک نخواهد کرد.<sup>۲۰</sup> بلافاصله پس از جنگ، اسرائیل بخش شرقی شهر و یک منطقه بزرگ حومه را ضمیمه قلمرو خود نمود و مرزهای جدید شهری را با دقت و به گونه‌ای ترسیم نمود تا ضمن خارج کردن چند دهکده بزرگ عربی، مناطق مرتفعی که بر حومه عربی شهر اشراف دارند، در داخل قلمرو اسرائیل



باقی بمانند. رژیم اشغالگر همچنین با خراب کردن محله عربی مغرب شهر قدیم امکان دسترسی به دیوار غربی (دیوار ندبه) را فراهم و مقدار قابل ملاحظه‌ای از زمین‌های اعراب را مصادره کرد. قدس در میان بخش‌های دیگر سرزمین‌های اشغالی، بیشترین توجه را چه در حزب کارگر و چه لیکود به خود معطوف داشته است.

پس از کنفرانس مادرید (۱۹۹۱)، اسلوی یک (۱۹۹۳) و اسلوی دو (۱۹۹۵) و پذیرش اصل مصالحه سرزمینی به‌عنوان مبنایی برای حل و فصل مناقشه عربی-اسرائیلی و تشکیل دولت مستقل فلسطین در کرانه رود اردن و نوار غزه، به‌رغم همه مشکلات پیش روی تشکیل یک کشور یکپارچه فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه، شاید بتوان مهم‌ترین مشکل را تعیین سرنوشت قدس عنوان کرد. نخستین بار دولت اسرائیل به ریاست ایهود باراک از حزب کارگر، ضمن پذیرش شناسایی یک دولت فلسطینی در کل کرانه غربی و نوار غزه، تقسیم حاکمیت با فلسطینیان در بیت‌المقدس و ایجاد یک پایتخت فلسطینی در بخش شرقی آن را به‌رسمیت شناخت.<sup>۲۱</sup> طرحی که تاکنون به‌دلیل سرسختی‌ها و کارشکنی‌های رژیم اشغالگر به مرحله اجرا نرسیده است. آخرین کارشکنی آن، تصویب طرح ساخت ۹۰۰ واحد مسکونی در بیت‌المقدس در اوت ۲۰۱۱ بود.

### سه. مساله مرزها و شهرک‌های یهودی‌نشین

پس از مساله قدس (بیت‌المقدس) و سرنوشت آن، مساله مرزها یکی از پیچیده‌ترین موضوعات مربوط به جغرافیای سیاسی اسرائیل است. اسرائیل را باید در زمره سرزمین‌های طویل طبقه‌بندی کرد؛ به این معنا که در شرایط برابر از لحاظ وسعت، طول مرزهای اسرائیل بیشتر از یک کشور غیرطویل است. مرزهای طولانی و محدب و مقعر مشکلات امنیتی پیچیده‌ای برای این کشور پدید آورده که نداشتن عمق استراتژیک بر شدت این معضلات افزوده است.

بسیاری از اسرائیلی‌ها از مرزهای بعد از ۱۹۴۹ آن کشور راضی نبودند. برخی تندروها از این شکایت داشتند که دولت فقط بخش کوچکی از ارض موعود یا وطن تاریخی یهود را دربرگرفته و باید تمام فلسطین تحت سلطه رژیم اشغالگر قرار می‌گرفت. واقعیت‌های ژئوپلیتیک، تاریخی و

بین‌المللی، رژیم اشغالگر و عناصر تندرو صهیونیست را وادار به پذیرش مرزهای آن کشور نمود، اما در مواردی هنوز دست از توسعه‌طلبی و زیاده‌طلبی برنداشته است. با عقد قرارداد کمپ دیوید مرزهای مشترک با مصر تثبیت گردید. با عقد قرارداد صلح با اردن مرزهای دو کشور تثبیت شد و مرزهای لبنان نیز جز در موارد بسیار کوچک ثابت است. پیچیده‌ترین مرزهای اسرائیل مربوط به کرانه غربی است که با ۳۰۷ کیلومتر طول، بسیار پرپیچ و خم و نامنظم بوده و در مجموع با حالت محدب خود تهدید جدی برای نواحی شمالی مرکزی و جنوبی اسرائیل است.

شکل خاص مرزهای کرانه غربی موجب پدید آمدن یکی از پیچیده‌ترین اختلافات مرزی میان اسرائیل با دولت خودگردان فلسطین و احتمالاً دولت مستقل فلسطینی در آینده خواهد گردید. پس از جنگ ۱۹۶۷ مرزهای ۱۹۴۹ میان اسرائیل- اردن به‌طور کلی محو و از چشم‌انداز جغرافیای کرانه غربی حذف گردید. ترسیم دوباره خط مرزی با توجه به جابه‌جایی انجام شده در مالکیت زمین‌ها، مزارع، روستاها و همچنین پراکنده شدن شهرک‌های یهودی‌نشین و از همه مهم‌تر چگونگی دسترسی به مسجدالاقصی و مکان‌های مقدس، مشکلات بسیاری در پی داشته است.

در حل و فصل اختلافات مرزی و سرزمینی طرفین می‌بایست مسایل دشوار ژئوپلیتیکی زیر را مورد توجه قرار دهند: نخستین مورد به نوار غزه مربوط می‌شود. با وجود آنکه اسرائیل با برچیدن تمامی شهرک‌های یهودی‌نشین تا پایان سال ۲۰۰۵ قلمرو غزه را به‌عنوان بخشی از دولت مستقل فلسطین تخلیه کرد، اما تراکم بیش از حد جمعیت در این نوار باریک سرزمینی که بالاترین میزان در جهان است، مستلزم اعطای امتیازات زمینی توسط اسرائیل و مصر از شمال غربی صحرای نقب و شمال شرقی صحرای سینا می‌باشد تا فشارهای وارده بر جمعیت غزه کاهش یابد. دومین مورد مربوط به حریم مسجدالاقصی است که باید در مذاکرات مربوطه، تقسیم آن به دقت مورد توجه واقع شود. یکی از گزینه‌ها عبارت از ایجاد یک مرز بین‌المللی افقی- عمودی است که راس آن روی سطح زمین در اختیار اعراب و پی آن در زیر سطح زمین در اختیار اسرائیل باشد. سوم به سرنوشت بیت‌المقدس و تناقض میان فشار طرفین برای حاکمیت جداگانه اسرائیلی - عربی بر این شهر به‌عنوان پایتخت طرفین منازعه و مزایای اتحاد

کارکردی در بیت‌المقدس مربوط می‌گردد. بیت‌المقدس شرقی دارای ۲۰۰ هزار جمعیت عرب فلسطینی و ۲۳۵ هزار یهودی است. در بیت‌المقدس غربی نیز ۲۶۵ هزار یهودی سکونت دارند. گزینه‌های متفاوتی برای تعیین سرنوشت این شهر می‌توان در نظر گرفت؛ از حاکمیت جداگانه تا مشترک. یکی از گزینه‌های مربوط به حاکمیت مشترک می‌تواند ایجاد فدراسیونی متشکل از دو حوزه شهرداری برای عملیات زیرساختی و یک دولت مشترک باشد که کارکردهای موجود در آن را با اختیارات ویژه خود ترکیب و هماهنگ کند. چهارم ایجاد مکانیزم‌های مشترک فلسطینی - اسرائیلی برای ایجاد اطمینان از تقسیم برابر منابع آب در نواحی کوهستانی و چاه‌های ساحلی در کرانه باختری و اسرائیل و نوار غزه می‌باشد. نکته پنجم عبارت است از یافتن سازوکاری برای حق بازگشت آوارگان فلسطینی. ششم هم اینکه اسرائیل همانند نوار غزه باید اکثر یا تمام شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه غربی را برچیند.

علاوه بر موارد بالا هرگونه راه‌حل دایمی درخصوص حل و فصل مسایل مرزی و سرزمینی، نیازمند پذیرش اصل یکپارچگی سرزمینی در کرانه باختری و به عبارت دیگر، بازگشت اسرائیل به مرزهای پیش از سال ۱۹۴۷ یا همان خط سبز می‌باشد. بنابراین ضروری است که تقریباً تمام شهرک‌های یهودی‌نشین در امتداد محور شمالی - جنوبی کرانه باختری برچیده شوند. چالش سرزمینی دیگر متصل ساختن نوار غزه به بقیه سرزمین فلسطین است. کوتاه‌ترین مسیر میان شمال شرقی غزه و جنوب غربی کرانه باختری تقریباً ۲۵ مایل (۴۵ کیلومتر) طول دارد. اگر ساخت یک جاده که از داخل تونل زیرزمینی یا از بالای زمین عبور کند، امکان‌پذیر نباشد، گزینه بدیل می‌تواند ایجاد کریدوری زمینی تحت کنترل مشترک اسرائیل و فلسطین باشد تا اجازه عبور و مرور آزادانه شمال به جنوب در اسرائیل و شرق به غرب در سرزمین‌های فلسطینی امکان‌پذیر گردد.

### چهار. ژئوپلیتیک آب

آب و منابع آب روزمینی و زیرزمینی همچنان مساله‌ای مهم برای تنش و منازعه در سرزمینی است که به دلایل جغرافیایی و آب و هوایی با کمبود آب روبه‌روست. ریشه‌های منازعه

بر سر منابع آب در میان کشورهای واقع در سواحل شرقی مدیترانه شامل سوریه، لبنان، اسرائیل، فلسطین و اردن در درجه نخست به عوامل و عناصر طبیعی مانند کمی بارش و نبود کوه‌های بلند به منظور ذخیره برف و یخ در فصل سرد و در درجه دوم به عوامل انسانی که مهم‌ترین آن مرزهای کشورهای فوق‌الذکر است مربوط می‌گردد. بر این اساس شکل و جهت خاص خطوط مرزی به گونه‌ای است که منابع آب اعم از روزمینی و زیرزمینی (سفره‌های آب و چشمه‌ها) در طرفین مرز قرار گرفته و موجب بروز اختلافات عمده در میان اعراب و اسرائیل، می‌گردد. دو عامل اصلی فوق به اضافه توسعه‌طلبی رژیم اشغالگر فلسطین در خصوص تملک منابع آب و سرچشمه‌های رودها موجب پدیدآمدن شرایط پیچیده‌ای در مورد نحوه تقسیم و استفاده از منابع آب شده که از آن با نام ژئوپلیتیک آب یاد می‌شود.

نخستین موضوع ژئوپلیتیکی مورد اختلاف در خصوص منابع آب، حوضه رود اردن است. حوضه این رود میان کشورهای لبنان، سوریه، اردن و اسرائیل تقسیم شده است. در مقایسه با سایر رودهای جهان، اردن نهر کوچکی است. مجموع ذخایر سالانه آن کمتر از ۲ میلیارد متر مکعب در سال است (مقایسه کنید با کارون ۱۸ میلیارد متر مکعب، نیل با ذخیره ۱۰۰ میلیارد متر مکعب و اروندرود با ذخیره ۶۰ میلیارد متر مکعب) ولی همین رود برای اردن و اسرائیل اهمیت حیاتی دارد، چون به تنهایی معادل یک سوم حجم سایر منابع آب اسرائیل و سه برابر سایر منابع آبی اردن آب دارد. قبل از تغییرات مرزی ۱۹۶۷، سه شاخه عمده رود اردن از خارج از قلمرو خاک اسرائیل سرچشمه می‌گرفتند. از ۱۹۶۷، رود بانیاس جزو منطقه تحت اشغال اسرائیل قرار گرفته است. حوضه رود اردن برای عمران جامع و هماهنگ آبیاری و نیروی برق بسیار مناسب است و دریاچه طبریه (جلیله) به صورت یک مخزن طبیعی عمل می‌کند. با وجود اختلافات، اردن در سال ۱۹۵۸ طرح‌های خود برای آبیاری شرق دره رود اردن را به اجرا گذاشت. در همان سال اسرائیل نیز ساختن یک کانال انتقال آب ملی که بزرگ‌ترین پروژه توسعه منابع آبی اسرائیل به‌شمار می‌رفت را آغاز کرد که با شبکه‌ای عظیم از آبگذرها و خطوط لوله آب‌های رودخانه اردن (دریاچه جلیله) را به طرف جنوب در امتداد جلگه ساحلی انتقال می‌دهد. ظرفیت این شبکه انتقال ۴/۱ میلیارد متر مکعب است که ۹۰ درصد تمام منابع آب اسرائیل را تامین می‌کند.<sup>۲۲</sup> در سال ۱۹۶۴،

در کنفرانس سران عرب تصمیم گرفته شد آب سرشاخه‌های رود اردن به خارج از اسرائیل هدایت شود. تلاش سوریه برای اجرای چنین تصمیمی منجر به درگیری‌های وسیع مرزی شد. پس از جنگ ۱۹۶۷ و اشغال بلندی‌های جولان از سوی اسرائیل، یکی از دلایل عدم تخلیه این ارتفاعات، مساله حفظ تسلط اسرائیل بر سرشاخه‌های رود اردن و به‌خصوص رود بانیاست. اسرائیل حاضر نیست سرچشمه‌های بانیاست را دوباره تحت تسلط سوریه ببیند.

دومین حوزه ژئوپلیتیکی مورد اختلاف درخصوص منابع آب به چگونگی بهره‌برداری از منبع آب‌های زیرزمینی در کرانه غربی و جلگه ساحلی مربوط می‌گردد. اسرائیل منابع آب کرانه غربی را هم مورد بهره‌برداری قرار داده و می‌دهد. تا پیش از ۱۹۶۷، اسرائیل ۴۵۰ میلیون مترمکعب از سفره‌های آب زیرزمینی واقع در جلگه ساحلی را که به منابع آب کرانه غربی پیوند داشتند، مورد بهره‌برداری قرار می‌داد. این مقدار آب یک سوم آب مورد نیاز اسرائیل بود. با اشغال کرانه غربی در سال ۱۹۶۷، تمامی منابع آب این ناحیه تحت کنترل اسرائیل درآمد. از آن پس تبعیض آشکاری میان ساکنین عرب بومی و یهودیان در استفاده از منابع آب برقرار گردید. مقامات رژیم اشغالگر قدس، حفر چاه جدید را جز در موارد ضروری برای فلسطینیان ممنوع اعلام کردند، اما سکنی‌گزینان اسرائیلی در کرانه غربی از حق نامحدودی برای حفر چاه بهره‌مند شدند. همین قوانین تبعیض‌آمیز که با واقعیات طبیعی و ذخیره منابع آب نیز سازگاری ندارد، موجب کاهش شدید منابع آب زیرزمینی کرانه غربی گردیده است.

اکنون اسرائیل در شرایطی است که اکثر منابع موجود آب را به مصرف می‌رساند. اختلاف با سوریه بر سر بلندی‌های جولان و منابع آن همچنان ادامه دارد و این دو به‌واسطه اصرار اسرائیل بر تداوم تسلط بر سرچشمه‌های رود اردن و دریاچه طبریه (جلیله) نتوانسته‌اند به توافقی جامع دست یابند. از سوی دیگر، اسرائیل با تشکیلات خودگردان فلسطین بر سر چگونگی بهره‌برداری از سفره‌های آب زیرزمینی در کرانه غربی که به سرعت رو به اتمام است، اختلاف دارند.

### پنج. جغرافیای استراتژیک اسرائیل

اسرائیل در بدو تاسیس و اشغال سرزمین فلسطین ۲۰ هزار و ۶۹۹ کیلومتر مربع وسعت

داشت. شکل طولیل اسرائیل به علاوه جنگ‌های انجام شده با اعراب برای تثبیت فرآیند تصرف سرزمین‌های عربی موجب گردید با وجود وسعت کم، مرزهای آن بیش از حد طولانی و پریپیچ و خم (در حدود ۹۸۱ کیلومتر) گردد. از سوی دیگر، شکل و مرزهای آن نیز بسیار نامنظم و به عبارتی نقشه سیاسی اسرائیل دارای نواقص ویژه‌ای بود. حدود ۸۰ درصد جمعیت اسرائیل در منطقه دشت ساحلی، به ویژه پیرامون تل‌آویو که عرض آن بین ۱۶ تا ۲۵/۵ کیلومتر متغیر است، متمرکز شده بودند. بسیاری از اسرائیلی‌ها از این موقعیت فشرده خود در یک نوار باریک میان مدیترانه و اردن، به ویژه با اشرافی که اعراب بر آنها داشتند، به شدت احساس آسیب‌پذیری می‌کردند. تقسیم بیت‌المقدس از نظر اسرائیل بدون دقت لازم صورت گرفته بود، بدین ترتیب که بسیاری از مکان‌های مقدس و مهم برای یهودیان در طرف اردنی باقی مانده و در نتیجه خارج از دسترس آنها بود. برای رسیدن به شهر باید از داخل یک دالان عبور می‌شد. در طول ۳۲ کیلومتر، جاده اصلی تل‌آویو از فاصله ۳ تا ۵ کیلومتری مرز اردن می‌گذشت. سوریه گهگاه از ارتفاعات استراتژیک جولان، شمال شرقی اسرائیل را بمباران می‌کرد. بندر ایلات واقع در ۲۸۰ کیلومتری جنوب تل‌آویو در کنار سواحل شمالی خلیج عقبه، روی یک قطعه باریک زمین در فاصله هشت کیلومتری از مصر و اردن واقع شده بود که به راحتی در تیررس سلاح‌های دو کشور یادشده قرار داشت. مسیرهای دریایی منتهی به این بندر نیز از امنیت برخوردار نبود. چون کشتی‌های اسرائیلی ناچار به عبور از آب‌های میان مصر و عربستان بودند. سرانجام نوار غزه که زیر نظر مصر اداره می‌شد، با چندصد هزار جمعیت فلسطینی خود تا ۵۶ کیلومتری تل‌آویو در امتداد جاده ساحلی پیش رفته بود. به طور خلاصه، کالبد فضایی اسرائیل یک حس عدم امنیت و محاصره‌شدگی به وجود آورده بود؛ برای مثال زمان پرواز میان قاهره، امان و دمشق تا قلب اسرائیل دقایقی بیش نبود و این زمان برای هشدار یک حمله، بسیار کوتاه می‌نمود.

درک اسرائیل از تهدیدات دشمنانش در حالی بود که اعراب نیز به شدت خود را در معرض توسعه‌طلبی آن کشور می‌دیدند. در حالی که اسرائیل خود را در محاصره اعراب می‌دید، اعراب آن را به صورت موجی می‌دیدند که از ساحل و به یکباره به تمام جهات هجوم می‌آورد. اسرائیلی‌ها غزه را به سان انگشت و کرانه غربی را همانند مشت گره خورده که هر دو به طرف

شکم آنها نشانه می‌روند، اما اعراب برداشت دیگری از این نقشه داشتند. آنها کرانه غربی و نوار غزه را در محاصره اسرائیل می‌دیدند و چنین تصور می‌کردند که آن کشور در اولین فرصت به قطع انگشت از بیخ و قطع دست از مچ بپردازد (همان‌گونه که سرانجام در جنگ ۱۹۶۷ اتفاق افتاد). اعراب همسایه اسرائیل از مجاورت شهرهای خود با مناطق مرزی در رویارویی احتمالی آگاه بودند و به شدت از نیروی هوایی اسرائیل احساس ناامنی می‌کردند. واقعیت این بود که بی‌اعتمادی و هراس، مهم‌ترین واقعیت سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۶۷ در میان اسرائیل و کشورهای عربی بود که البته بی‌دلیل هم نبود.<sup>۲۳</sup>

جنگ ۱۹۶۷ معروف به جنگ شش روزه و تغییرات سرزمینی ناشی از آن از جمله اشغال کامل صحرای سینا (سه برابر وسعت اسرائیل)، نوار غزه، کرانه غربی و ارتفاعات جولان و تمامی بیت‌المقدس از سوی اسرائیل، تا حدی نگرانی‌های استراتژیک آن را برطرف کرد. مرزهای خشکی اسرائیل ۲۵ درصد کاهش یافته و به ۷۵۴ کیلومتر رسیدند. برعکس طول خط ساحلی بیش از دو برابر شده و به ۹۰۲ کیلومتر رسید. با تسلط اسرائیل بر شرم‌الشیخ و تنگه تیران دیگر مانعی بر سر راه دسترسی به بندر ایلات وجود نداشت. در شمال نیز با تصرف بلندی‌های جولان، هم شمال شرقی اسرائیل را از برد آتش توپخانه سوریه خارج شد و هم بر سرچشمه‌ها و سرشاخه‌های رود اردن در سوریه زیر تسلط اسرائیل درآمد. در بخش مرکزی نیز با تصرف کامل کرانه باختری، جلگه ساحلی پرجمعیت و هارتلند اسرائیل از خطر تهدید اردن و آتش سلاح‌های آن کشور خارج گشت.<sup>۲۴</sup>

با امضای قرارداد صلح معروف به کمپ دیوید با مصر، اسرائیل صحرای سینا را تخلیه کرد و به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ بازگشت. فشار روزافزون انتفاضه فلسطینیان در کرانه غربی و نوار غزه و همچنین تغییر اوضاع منطقه در اثر وقوع انقلاب اسلامی در ایران، سرانجام اسرائیل را وادار به پذیرش واقعیت کشور مستقل فلسطینی نمود که ضمن اعطای حاکمیت محدود به حکومت خودگردان در کرانه غربی، سراسر نوار غزه را نیز در سال ۲۰۰۵ تخلیه و به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ بازگشت. موقعیت نوار غزه در سواحل مدیترانه به‌گونه‌ای است که این سرزمین با ۵۷ کیلومتر طول و پهنای متوسط ۸ کیلومتر و حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت در عمق خاک

اسرائیل فرورفته و مناطق وسیعی از بخش جنوبی جلگه مدیترانه، و شمال صحرای نقب زیر دید مستقیم و تیر و موشک‌های فلسطینی‌هاست.

اسرائیل به دلایل امنیتی از تخلیه کرانه غربی و پذیرش اصل یکپارچگی سرزمینی دولت مستقل فلسطین در کرانه غربی خودداری می‌کند. در صورت تخلیه سراسر کرانه غربی به دلیل اختلاف ارتفاع فاحش میان این سرزمین و جلگه ساحلی مدیترانه این بخش از قلمرو اسرائیل که هارتلند اقتصادی آن نیز به شمار می‌رود کاملاً زیر دید و تیر مستقیم فلسطینیان قرار می‌گیرد. لذا به‌رغم فشارهای متعدد و از سوی آمریکا غرب و قیام انتفاضه فلسطین، اسرائیل حاضر به تخلیه کرانه غربی و بازگشت به مرزهای بیش از ۱۹۶۷ نیست.<sup>۲۵</sup> از منظر ژئوپلیتیکی، جلگه ساحلی دریای مدیترانه از حیای بزرگ در شمال تا بندر اشدود در جنوب تل‌آویو به طول ۱۲۰ کیلومتر امتداد دارد و پهنای آن بین ۱۰ تا ۲۴ کیلومتر متغیر است. این منطقه از سمت شرق به خط سبز یا مرز پیش از ۱۹۶۷ اسرائیل و کرانه غربی منتهی می‌گردد. تراکم جمعیتی در این منطقه بیش از ۲۰۰۰ نفر در مایل مربع می‌باشد. به عبارت دیگر ۵/۳ میلیون نفر از جمعیت حدود شش میلیونی اسرائیل در این ناحیه زندگی می‌کنند، این در حالی است که تراکم جمعیت اسرائیل به طور متوسط ۷۰۰ نفر در مایل مربع است و از این نظر اسرائیل با هلند و بلژیک قابل مقایسه است. این سرزمین که تحت عنوان هارتلند اقتصادی اسرائیل شناخته می‌شود، اکثر صنایع تولیدی و خدماتی اسرائیل از جمله تراش الماس، صنایع نظامی، دارویی، مالی، جهانگردی و فناوری پیشرفته را در خود جای داده است. فناوری پیشرفته با تاکید بر کامپیوتر، نرم‌افزار، مخابرات، فناوری زیستی (بیوتکنولوژی)، فناوری پزشکی و الکترونیک هوا فضا، مهم‌ترین صنایع تمرکز یافته در هارتلند صنعتی - اقتصادی اسرائیل هستند. وجود مراکز تحقیقات و توسعه متعلق به پیشروترین شرکت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کامپیوتری در جهان نیز کمکی به پیشبرد صنعت فناوری برتر در اسرائیل می‌باشند که ۶۰ درصد از کل صادرات اسرائیل را به خود اختصاص داده و بزرگ‌ترین بخش از اقتصاد آن به‌شمار می‌روند. با در نظر گرفتن این واقعیت می‌توان درک کرد که واگذاری کل سرزمین کرانه غربی و بازگشت به پشت مرزهای ۱۹۶۷ اگر نگوئیم غیرممکن برای اسرائیل بسیار دردناک و در عین حال از دید استراتژیست‌های آن کشور خطرناک و تهدیدآمیز است.<sup>۲۶</sup>



در مورد بلندی‌های جولان نیز وضع به همین منوال است. جولان یک ناحیه مرتفع و کوهستانی است که بیشتر قلمرو استان قنیطره سوریه را شامل می‌گردد. مساحت کل آن ۱۷۱۰ کیلومتر مربع است که ۷۰ درصد آن یا به عبارتی ۱۱۷۶ کیلومتر مربع آن از سال ۱۹۶۷ در اشغال اسرائیل است. این بلندی‌ها از دو جهت دارای موقعیت استراتژیک می‌باشند: یکی از منظر تسلط بر شمال اسرائیل؛ و دوم منابع آب و سرشاخه‌های رود اردن. ارتفاع متوسط ناحیه جولان ۱۲۰۰ متر است و میانگین بارش سالانه آن در شمال ۱۰۰۰ میلی‌متر و در نواحی جنوبی حدود ۶۰۰ میلی‌متر است. اسرائیل این سرزمین را از سال ۱۹۸۲ ضمیمه قلمرو خود نموده و ظاهراً به دلایل فوق‌الذکر خیال ندارد آنجا را بازپس دهد. مشکل جولان به یکی از مسایل لاینحل در فرآیند صلح تبدیل شده است.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله به صورت فشرده مسایل مختلف مطرح در صحنه جغرافیای سیاسی اسرائیل و فلسطین معرفی و مورد بررسی قرار گرفت. طبیعی است معرفی و بررسی همه مسایل مطرح در این عرصه در این مختصر امکان‌پذیر نبوده و بررسی آنها نیازمند کاری تفصیلی در حد یک کتاب یا چندین مقاله است. از جمله مسایل قابل پژوهش می‌توان به مهاجرت یهودیان به اسرائیل و مهاجرت معکوس، مساله آوارگان فلسطینی و آینده آنها، ساخت دیوار حایل در کرانه غربی، ترکیب جمعیتی در اسرائیل (سرزمین‌های تصرف‌شده در ۱۹۴۸) و نسبت اعراب و یهودی‌ها در آینده، سرنوشت کرانه غربی و بلندی‌های جولان، سرنوشت کشور مستقل فلسطینی در قالب یک کشور یا دو کشور مستقل، چگونگی تقسیم منابع آب، کمبود زمین و روابط اسرائیل با همسایه‌های عرب و سایر کشورهای اسلامی اشاره کرد.

این فهرست بیشتر نمادین بود تا جامع. هنوز موضوعات زیادی در مورد جغرافیای سیاسی فلسطین و اسرائیل دست‌نخورده مانده است. اگر این متن توانسته باشد انگیزه لازم را برای تحقیق ایجاد کند و اهمیت دیدگاه جغرافیایی در فهم پدیده‌های سیاسی منطقه را نشان دهد، به هدف اصلی خود رسیده است.

## منابع و یادداشت‌ها:

۱. حاتم قادری، پراکسیس: اندیشه سیاسی و فعل سیاسی در خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۶.
۲. پیتر جرالد بیوموتف و مالکوم اگراستاف، *خاورمیانه*، ترجمه محسن مدیر شاندچی، محمود رمضان‌زاده، مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۶۹.
۳. ریچارد ویر درآمدی *نوبر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹.
۴. همان، ص ۱۰.
5. R.D. Sack, *Human Territoriality*, Cambridge: Cambridge University Press, 1986.
۶. ریچارد مویر، پیشین، ص ۳۱.
۷. حاتم قادری، پیشین، ص ۴۵.
8. *The Europe World Year Book*, 51th Edition, London: Routledge, 2011.
9. *CIA Fact Book*, Israel, Central Intelligence Agency, 2011.
۱۰. آلاسدر درایسدل و جرالد اچ. بلیک، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۶۹.
۱۱. همان، ص ۳۸۲.
12. Reader's Digest, *Atlas of the Bible*, New York: Reader's Digest Association L.T.D., 1990.
13. Macmillan, *Israel*, New York: Mcamillan Publishing, 1997.
۱۴. درایسدل، پیشین، ص ۳۵۰.
۱۵. همان، ص ۵۳۲.
۱۶. همان، ص ۳۷۰.
۱۷. بیوموتف، پیشین، ص ۲۶۴.
۱۸. درایسدل، پیشین، ص ۴۲۱.
۱۹. حاتم قادری، پیشین، ص ۴۳.
20. John Haywood, *Atlas of World History*, New York: Barnes and Noble, 1997.
۲۱. سائوبرنارد کوهن، *ژئوپلیتیک نظام جهانی*، ترجمه عباس کاردان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی برابر معاصر تهران، ۱۳۸۷.
۲۲. درایسدل، پیشین، ص ۱۳۰.
۲۳. همان، ص ۳۹۳.
۲۴. همان.
25. Martin Gribert, *The Atlas of Arab-Israel Conflict*, Eighth Edition, London: Routledge, 2005.
26. Ibid., p. 326.